

**صهیونیست‌ها** در بررسی‌های‌شان به این نتیجه رسیده بودند یکی از کشورهایی که می‌تواند در این منطقه جلوی زیاده‌خواهی‌های آنها را بگیرد ایران است. صهیونیست‌های متنفذ در دولت انگلستان تقریباً ۱۰۰ سال قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی تمام توان خود را بر این قرار داده بودند که ایران یک کشور کاملاً ضعیف، تجزیه شده و کوچک شود

دکترآقای آریا رژیم صهیونیستی در جریان دیدار با رهبران قذافی در تونس، ۲۰۰۷

به نظر بسیاری از اندیشمندان و متفکران اساسا تشکیل رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا و در قلب کشور های اسلامی، با یک هدف بلندمدت استکباری و استعماری بود. این رژیم خونخوار به منظور نداوم سلطه استعمارگران بر منطقه بویژه کشورهای اسلامی از طریق تجزیه و تضعیف کشورهای قدرتمند و با اصال‌ت غرب آسیا تشکیل شد.به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «طبق اسناد تاریخی،تشکیل حکومت‌صهیونیستی در آنچاپیش از آنچه آرزوی مردم یهود باشد، خواست استعماری دولت انگلیس بود.»

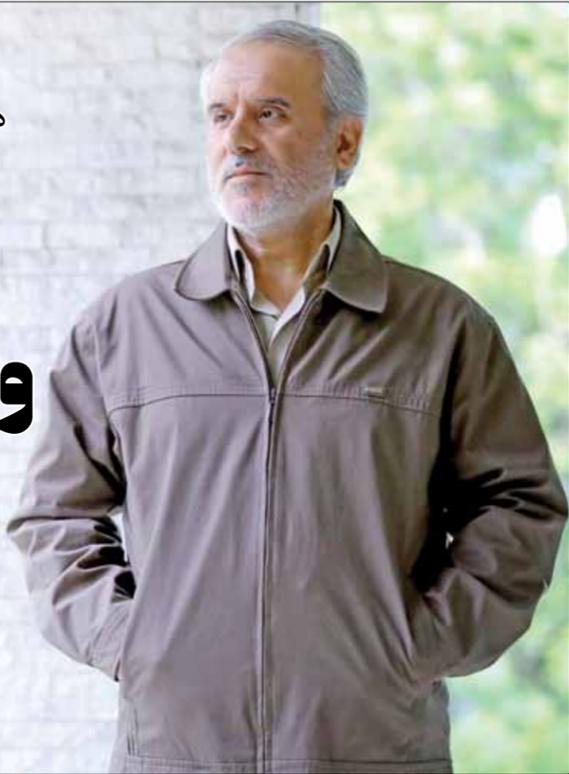
طیعا یکی از کشورهای ریشه‌دار و دارای ظرفیت دینی و انقلابی که می‌توانست جلوی اقدامات و خواسته‌های صهیونیست‌ها در این منطقه را بگیرد ایران اسلامی بود لذا صهیونیست‌های متنفذ در کشورهای استعمارگر و دولت صهیونیستی بیش از یک‌قرن به‌دنبال تضعیف و تجزیه‌ایران بودند.اگرچه اقدامات آنها علیه‌ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تشدید شد ولی این نقشه‌ها و اقدامات به دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی محدود نمی‌شود.

در همین رابطه و به منظور کنکاش و بررسی بیشتر موضوع‌یادکتر موسی حقانی،پژوهشگر تاریخ‌معاصر گفت‌وگو کردیم.

دکتر آریا رژیم صهیونیستی در جریان دیدار با رهبران قذافی در تونس، ۲۰۰۷

■ آقای دکتر! آیا رژیم صهیونیستی صرفا با نظام جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام در ایران مشکل دارد و آن را تهدید علیه خود تلقی می‌کند یا صهیونیست‌ها اساسا حاکمیت قدرتمند ایران را بر نمی‌تابند؟

برای پاسخ به این سوال ما باید کمی به ماهیت خود صهیونیسم و عواملی که باعث شده رژیم صهیونیستی به وجود بیاید بپردازیم.
کشورهایی که رژیم صهیونیستی را در این منطقه به وجود آوردند اهداف و منافع را دنبال می‌کردند. اساسا ۲۳۰ سال گذشته راهبر غربی‌ها و موسسان رژیم صهیونیستی، ایران ضعیف و ایران تجزیه شده بود. اینها یک راهبردی داشتند که بویژه تقریباً از سال ۱۷۸۵ میلادی خیلی جدی شد و ۱۸۰۰ میلادی دیگر رسیدند به عملیاتی کردن برنامه‌های‌شان در ایران و منطقه. انگلیسی‌ها با هدف تسلط بر شبه‌قاره هند در این منطقه حضور پیدا کردند و یک رقابت بین‌المللی بین روسیه، فرانسه و انگلیس بر سر هند در گرفت. در آن دوره ما شاهد بازگشت صهیونیست‌ها به هیات حاکمه انگلیس سروکله‌شان پیدا می‌شود. البته نباید فراموش کرد سال ۱۸۱۷ میلادی تشکیلات ماسونی در انگلستان تأسیس شد. این تشکیلات کاملاً صهیونیستی است و صهیونیست‌ها توانستند از این طریق در حاکمیت انگلستان و بعد در حاکمیت سایر کشورهای اروپایی نفوذ جوی‌تری داشته باشند. زرسالاران یهودی هم که جزو موسسان اصلی رژیم صهیونیستی هستند، توانستند از طریق ثروتی که اندوخته بودند نبض حکومت‌ها و دولت‌های اروپایی را در اختیار خود بگیرند و عملاً بسیاری از اتفاقاتی که ما در قرون ۱۸ و ۱۹ می‌بینیم در جهان رخ می‌دهد به نحوی توطئه‌های اینهاست که سرمایه‌های اینها و افرادی که وابسته به اینها هستند در این ماجراها درگیر و دخیلند. یکی از همین شخصیت‌هایی که بسیار مهم است و شاید بشود گفت برای نخستین بار بحث جمهوری یهودی را مطرح می‌کند «پالمرستون» است که صدراعظم انگلستان بود و در واقع مقارن با دوره محمدشاه قاجار بود. حتی در قرون ۱۷، ۱۸ و ۱۹ هم یهودی‌ها و هم برخی پروتستان‌ها بحث دولت یهود را پیش می‌کنند. یعنی هرترز در واقع جزو نفرات بعدی است که به ماجرای تشکیل دولت یهودی می‌پردازد.
با توجه به اینکه فلسطین، ایران، عراق، افغانستان و عربستان فعلی یعنی سرزمین حجاز بر اساس نظریه هارتلند، در قلب زمین واقع شده‌اند، این موضوع توجه صهیونیست‌ها و قدرتهای بزرگ مثل انگلستان را جلب کرد. انگلیسی‌ها در هند حضور پیدا کردند و حدود ۱۲۰ سال سر نوشت این منطقه گره خورد با توسعه‌طلبی‌های انگلستان در هند. همین جناح صهیونیستی که در انگلستان توانسته بود به قدرت برود، یکی از کانون‌هایی که در آن مستقر شد حکومت هند – بریتانیا بود که برای آنها بسیار اهمیت داشت. یعنی از طریق هند این منطقه را کنترل می‌کردند. البته بعدا که اینها در هند پایه‌های‌شان سست شد به طور طبیعی دنبال این بودند که پایگاه‌های دیگری هم در این منطقه برای خودشان



دست و پا بکنند. ناصرالدین شاه در خاطرات نخستین سفرش به اروپا آورده که روچیلد فرانسوی به واسطه میرزا منوچهرخان و میرزا حسین‌خان سپهسالار با شاه ایران دیدار می‌کند. او تقاضاهایی را مطرح می‌کند که یکی از تقاضاهای مهمش این بوده که ناصرالدین شاه اجازه بدهد شعبه مدرسه الیانس اسرائیلی که یک مدرسه صهیونیستی بود در ایران تأسیس شود. ناصرالدین شاه موافقت می‌کند ولی عملاً اجازه راناندازی آن مدرسه را نمی‌دهد. یا به هر دلیلی آن مدرسه در دوره ناصرالدین شاه در ایران تشکیل نمی‌شود. بعد در دوره مظفرالدین شاه ما می‌بینیم این مدرسه – یک دوره‌ای که دوره ضعف قاجار است – در ایران تأسیس می‌شود و بعدا مدیران و معلمان این مدرسه جزو موسسان نخستین لژ فراماسونری رسمی در ایران می‌شوند که در آن نشانه‌ها و نشان می‌دهد اینها فقط انگیزه فرهنگی نداشتند بلکه به دنبال مسائل سیاسی هم بودند. در آنجا روچیلد به ناصرالدین شاه یک نکته دیگر هم می‌گوید و آن اینکه ما دنبال یک سرزمینی هستیم که در آن مستقر بشویم.

■ **آیا بحث استقرار همه مردم یهود در یک سرزمین و تشکیل کشور واحد یهودی خواسته و آرزوی همه یهودیان است یا اینکه گروه‌هایی در میان یهودیان و بزرگان یهود هستند که مخالف این مساله باشند؟**
بحث استقرار در یک سرزمین و تأسیس دولت و حکومت در بین خود یهودی‌ها یک مساله اختلافی هست و آنها به طور یکبارچه دنبال این نیستند و اعتقاد به این ندارند که قبل از ظهور مسیح به تعبیر آنها باید دولت تشکیل داد. این جریانی هم که در انگلستان قدرت را رفته‌رفته قبضه می‌کند و حتی آن دولتمردان سنتی انگلستان نظیر لرد کنزن را هم کنار می‌گذارد، به دنبال یک پایگاه برای خود در این منطقه می‌گردند. بر این اساس منطقه غرب آسیا و به قول آنها خاورمیانه، که هم از جهت جمعیت فراوان و هم از لحاظ منابع دست‌نخورده حائز اهمیت است مورد توجه زیاد اینها بود. هنوز بحث نفت و موارد دیگر در این منطقه مطرح نشده بود. البته آنها بررسی‌های‌شان برای پیدا کردن نفت در منطقه از قبل شروع شده بود که می‌بینیم در ایران ما از ۱۹۰۱، ۱۶ سال قبل از اینکه اعلامیه بالفور صادر شود می‌آیند و قرارداد داری منقذ می‌شود و با یک فاصله مثلا ۱۵ یا ۲۰ ساله سایر کشورهای منطقه هم وارد این چرخه می‌شوند و رفته‌رفته انگلیسی‌ها و غرب بر منابع نفتی این منطقه حاکم می‌شوند. با کشف نفت در این منطقه البته انگیزه‌ها هم بالاتر رفت. یعنی هم منابع معدنی و هم بازار مصرف بسیار خوبی که وجود داشت و اینها می‌توانستند محصولات خود را در اینجا بفروشند. در واقع هم بحث مواد خام و هم بحث بازار، توجه اینها را به اینجا جلب



کرد و این جریان انحرافی در بین بنی‌اسرائیل که ما از آن به‌عنوان صهیونیسم یاد می‌کنیم و عرض کردم ریشه تشکل‌هایی نظیر فراماسونی هم در این جریان نهفته است، دیگر از سال ۱۹۰۰ میلادی به بعد فعالیت جدی خود را آغاز می‌کند برای اینکه عملاً برود و رژیم صهیونیستی را در این منطقه به وجود بیاورد.

آنها در بررسی‌های‌شان به این نتیجه رسیده بودند یکی از کشورهایی که می‌تواند در این منطقه جلوی زیاده‌خواهی‌های آنها را بگیرد و هم زیاده‌خواهی‌های استعمارگران را که پشت صحنه آنها صهیونیست‌ها قرار داشتند محدود کند و هم جلوی حضور عربان جریان صهیونیست در منطقه را بگیرد، ایران است. با توجه به‌اینکه ایران بالاخره در سال‌های نه‌چندان دور یک کشور قدرتمندی بود که حتی در ابتدای دوره قاجار هم می‌خواست قدرت خود را تجدید کند که با موج ویرانگر استعمار مواجه شد، بنابراین اینها به این نتیجه رسیدند که ایران باید یک کشور تجزیه‌شده کوچک و ضعیف شود تا توانمندی‌هایش باید از آن گرفته شود و اینکه در یک حد محدودی آن را نگه دارند و کنترل کنند. سایر کشورهای منطقه را هم بویژه بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی اینها بین خود تقسیم کردند. بنابراین می‌بینیم موسسان رژیم صهیونیستی از خود جزو پدران صهیونیسیم بین‌الملل هستند نظیر روچیلد، خاندان ساسون و…، یک ایران ضعیف شده را در دوره قاجار در این منطقه پیش‌بینی کرده بودند و در برنامه‌شان بود که دولت ایران شدت ضعیف شود. از طرفی از دل امپراتوری عثمانی چندین کشور به وجود آمد که خود این کشورها با همدیگر مشکلات عرضی بر سر مرزها، تعیین مرزها و… داشتند. این موضوع هم به اصطلاح مزید بر علت شد برای اینکه ما در این منطقه کشور قوی مسلمان نداشته باشیم؛ امپراتوری عثمانی که تجزیه شده بود و ایران هم واقعا به سخت‌ترین شرایط رسیده بود.

■ **مگر ایران در آن برهه تاریخی چه وضعیتی داشت که شما از تعبیر «سخت‌ترین شرایط» استفاده کردید؟**
ببینیدا ما در پایان جنگ اول جهانی، تلفات گسترده‌ای در ایران داریم که کف آن را ۴ میلیون می‌گویند. بعضی از منابع تا ۹ میلیون نفر می‌گویند که کخب این برای کشوری که اصلا در جنگ دخالتی نداشت خیلی تلفات باثباتی است. قبل از جنگ کشور ما اشغال شده بود و ناسفانه ما به واسطه همین سیاست‌های استعماری در بدترین شرایط قرار داشتیم. تئودور هرتزل از سال ۱۸۹۵ به دنبال تأسیس دولت یهودی بود که طرحش را افرادی نظیر پالمرستون و ادموند روچیلد داده بودند و هرتزل مجری اجرای این طرح‌ها و سیاست‌ها بود. ۳ سال بعد

و اینها در واقع به‌عنوان اهداف و منافع برای خودشان در نظر گرفته شده بود. اینها برای اینهاست که می‌توانستند در این منطقه به وجود بیاورند.

■ **مگر ایران در آن برهه تاریخی چه وضعیتی داشت که شما از تعبیر «سخت‌ترین شرایط» استفاده کردید؟**

ببینیدا ما در پایان جنگ اول جهانی، تلفات گسترده‌ای در ایران داریم که کف آن را ۴ میلیون می‌گویند. بعضی از منابع تا ۹ میلیون نفر می‌گویند که کخب این برای کشوری که اصلا در جنگ دخالتی نداشت خیلی تلفات باثباتی است. قبل از جنگ کشور ما اشغال شده بود و ناسفانه ما به واسطه همین سیاست‌های استعماری در بدترین شرایط قرار داشتیم. تئودور هرتزل از سال ۱۸۹۵ به دنبال تأسیس دولت یهودی بود که طرحش را افرادی نظیر پالمرستون و ادموند روچیلد داده بودند و هرتزل مجری اجرای این طرح‌ها و سیاست‌ها بود. ۳ سال بعد و اینها در واقع به‌عنوان اهداف و منافع برای خودشان در نظر گرفته شده بود. اینها برای اینهاست که می‌توانستند در این منطقه به وجود بیاورند.

■ **مگر ایران در آن برهه تاریخی چه وضعیتی داشت که شما از تعبیر «سخت‌ترین شرایط» استفاده کردید؟**

ببینیدا ما در پایان جنگ اول جهانی، تلفات گسترده‌ای در ایران داریم که کف آن را ۴ میلیون می‌گویند. بعضی از منابع تا ۹ میلیون نفر می‌گویند که کخب این برای کشوری که اصلا در جنگ دخالتی نداشت خیلی تلفات باثباتی است. قبل از جنگ کشور ما اشغال شده بود و ناسفانه ما به واسطه همین سیاست‌های استعماری در بدترین شرایط قرار داشتیم. تئودور هرتزل از سال ۱۸۹۵ به دنبال تأسیس دولت یهودی بود که طرحش را افرادی نظیر پالمرستون و ادموند روچیلد داده بودند و هرتزل مجری اجرای این طرح‌ها و سیاست‌ها بود. ۳ سال بعد

و اینها در واقع به‌عنوان اهداف و منافع برای خودشان در نظر گرفته شده بود. اینها برای اینهاست که می‌توانستند در این منطقه به وجود بیاورند.

■ **مگر ایران در آن برهه تاریخی چه وضعیتی داشت که شما از تعبیر «سخت‌ترین شرایط» استفاده کردید؟**

شنبه ۱۱ آذر ۱۴۰۲  
وطن امروز | شماره ۳۹۱۸

**[ گفت‌وگو ]**

فراهم‌کنند. از همان ابتدا تضعیف ایران و نفوذ در ایران در دستور کار اینها قرار گرفت. به نحوی که ما می‌بینیم قبل از به سلطنت رسیدن رضاخان تشکیلات صهیونیستی در بیش از ۲۰ شهر ایران فعالیت‌شان را آغاز می‌کنند. عملیات تخریبی‌ای که اینها در زمینه خروج ارز، خروج اشیای عتیقه از ایران و قاچاق انسان داشتند نشان می‌دهد هیچ احترامی به حاکمیت ایران نمی‌گذاشتند و البته حاکمیت ایران در دوره پهلوی هم با اینها همسویی و همراهی داشت؛ به همین جهت است که از همان ابتدا که تحکرات صهیونیستی در ایران آغاز می‌شود ما شاهد عکس‌العمل مردم ایران و روحانیون هستیم.

■ **رژیم پهلوی در زمینه حمایت و کمک به رژیم صهیونیستی چه اقداماتی را انجام داد؟ آیا حمایت پهلوی‌ها از اسرائیل صرفا به رسمیت شناختن اسرائیل بود یا فراتر از آن هم بود؟**

صهیونیست‌ها برای تشکیل دولت صهیونیستی در این منطقه احتیاج به زمین و انسان داشتند، چون اینها در فلسطین نه دارای زمین بودند و نه جمعیت قابل توجهی داشتند که بتوانند ادعای تأسیس یک دولت را داشته باشند به همین جهت هم به طور خزنده خرید زمین را آنجا آغاز کردند که در پوشش‌های مختلف شکل می‌گرفت و هم بحث مهاجرت را پیگیری می‌کردند. مهم‌ترین مساله برای صهیونیست‌ها که حتی از سرزمین مهم‌تر بود مساله نیروی انسانی بود. ببینیدا یهودی‌ها صهیونیست بر اقتصاد جهان مسلط شده بودند. انگلستان به عنوان یک قدرت بزرگ استعماری که ادعا داشت در سال‌های پایانی جنگ اول جهانی تنها قدرت مطرح در جهان است در اختیار اینها بود و از لحاظ نظامی هم با توجه به شبکه‌های تروریستی نظیر هاگانا که ایجاد کرده بودند، می‌توانستند کارهای‌شان را پیش ببرند. منتها بحث اصلی آنها امواج انسانی‌ای بود که اینها بگویند ما از لحاظ جمعیت یک بخش از مردم ساکن در فلسطین را تشکیل می‌دهیم. در این ماجرا که به نظر من در واقع می‌شود گفت پایه اصلی تشکیل رژیم صهیونیستی است، رژیم کودتایی رضاخان نهایت همکاری را داشت و بعد در دوره محمدرضا پهلوی هم شما می‌بینید که این اتفاق ادامه پیدا می‌کند و محمدرضا پهلوی به عنوان دومین رئیس کشور اسلامی، رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد و ایران را به ستون پنجم اسرائیل در منطقه تبدیل می‌کند. روابط امنیتی و بیمانه‌های امنیتی که اوج روابط گسترده ۲ رژیم را با همدیگر نشان می‌دهد بین پهلوی و اینها منعقد می‌شود. در همین دوره، در همین دوره‌ای که اساسا رژیم پهلوی از همان ابتدا دارد کمک می‌کند به تشکیل دولت یهودی در منطقه و بعد هم این همه خدمات گسترده به صهیونیست‌ها برای تثبیت رژیم صهیونیستی می‌دهد شما می‌بینید اسرائیل تبدیل می‌شود به یکی از مهم‌ترین مراکز خرید و فروش اشیای باستانی ایران. یعنی به طور گسترده در همان مقطع اینها درصد قاجاق و دست‌اندرکار قاجاق هستند؛ در تبدیل شدن اقتصاد ایران به اقتصاد تک‌محصولی اسرائیل در کنار انگلستان و آمریکا قرار می‌گیرد. کل سرزمین ایران بویژه مرزهای شمالی و مرزهای جنوبی ما را تبدیل می‌کنند به پایگاه‌های جاسوسی علیه کشورهای منطقه و با همه این‌ها که آنها که رژیم پهلوی به آنها ارائه می‌داد و استفاده‌ای که آنها از ظرفیت ایران می‌کردند می‌بینیم باز این اسرائیل بود که تعیین می‌کرد غربی‌ها اعم از انگلیس یا آمریکا چه چیزی در اختیار ایران بگذارند. آنجا هم باز همان سیاست تجزیه ایران، سیاست کوچک کردن ایران و سیاست کنترل ایران که رژیم پهلوی آن را تبدیل به ستون پنجم اسرائیل در منطقه کرده بود، در دستور کار آنها قرار داشت. انقلاب اسلامی این معادله را کلا به هم زد و در ادامه خواست ملت ایران که از سال ۱۳۰۰ شمسی شروع شده بود، رژیم صهیونیستی را به طور کلی طرد و نفی کرد.

■ **صحت‌های شما اینگونه برداشت کردم که سیاست ضعیف‌سازی ایران اساسا یکی از راهبردهای اصلی استعمار انگلیس در منطقه بود که از این سیاست در تشکیل و تقویت رژیم صهیونیستی بهره بردند؛ درست متوجه شدم؟**
بله! دولت انگلستان تقریباً تا ۱۰۰ سال قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی تمام توان خود را بر این قرار داده بود که ایران یک کشور کاملاً ضعیف، تجزیه شده، کوچک شود و به قول سفیرشان ایران را در وحشت و بربریت قرار دهد، همان افراد می‌آیند و رژیم صهیونیستی را در منطقه می‌خواهند ایجاد کنند. آنها برای تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و اساسا شکل‌گیری رژیم صهیونیستی احتیاج به رژیم‌های وابسته در منطقه دارند چون آنها می‌دانند اگر این تحرک رخ دهد بالاخره هم با مخالفت جدی فلسطینی‌ها و هم مسلمان، صرف‌نظر از دولت‌ها، مواجه می‌شود. حتی دولت‌ها هم نمی‌توانستند آن موقع بی‌تفاوت باشند برای همین می‌بینیم اوایل که بحث مهاجرت و بحث تشکیل رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود دولت‌های اسلامی یک مقدار فعال‌تر از امروز بوده‌اند؛ لذا سیاست‌های فکری ایجاد دولت‌های وابسته در منطقه افتاد. در عراق فیصل را آوردند و در افغانستان امان‌الله‌خان را.

در ایران رضاخان روی کار آمد و قرار بود این رژیم‌های وابسته زمینه تشکیل رژیم صهیونیستی در منطقه را

فراهم‌کنند. از همان ابتدا تضعیف ایران و نفوذ در ایران در دستور کار اینها قرار گرفت. به نحوی که ما می‌بینیم قبل از به سلطنت رسیدن رضاخان تشکیلات صهیونیستی در بیش از ۲۰ شهر ایران فعالیت‌شان را آغاز می‌کنند. عملیات تخریبی‌ای که اینها در زمینه خروج ارز، خروج اشیای عتیقه از ایران و قاچاق انسان داشتند نشان می‌دهد هیچ احترامی به حاکمیت ایران نمی‌گذاشتند و البته حاکمیت ایران در دوره پهلوی هم با اینها همسویی و همراهی داشت؛ به همین جهت است که از همان ابتدا که تحکرات صهیونیستی در ایران آغاز می‌شود ما شاهد عکس‌العمل مردم ایران و روحانیون هستیم.

■ **رژیم پهلوی در زمینه حمایت و کمک به رژیم صهیونیستی چه اقداماتی را انجام داد؟ آیا حمایت پهلوی‌ها از اسرائیل صرفا به رسمیت شناختن اسرائیل بود یا فراتر از آن هم بود؟**

صهیونیست‌ها برای تشکیل دولت صهیونیستی در این منطقه احتیاج به زمین و انسان داشتند، چون اینها در فلسطین نه دارای زمین بودند و نه جمعیت قابل توجهی داشتند که بتوانند ادعای تأسیس یک دولت را داشته باشند به همین جهت هم به طور خزنده خرید زمین را آنجا آغاز کردند که در پوشش‌های مختلف شکل می‌گرفت و هم بحث مهاجرت را پیگیری می‌کردند. مهم‌ترین مساله برای صهیونیست‌ها که حتی از سرزمین مهم‌تر بود مساله نیروی انسانی بود. ببینیدا یهودی‌ها صهیونیست بر اقتصاد جهان مسلط شده بودند. انگلستان به عنوان یک قدرت بزرگ استعماری که ادعا داشت در سال‌های پایانی جنگ اول جهانی تنها قدرت مطرح در جهان است در اختیار اینها بود و از لحاظ نظامی هم با توجه به شبکه‌های تروریستی نظیر هاگانا که ایجاد کرده بودند، می‌توانستند کارهای‌شان را پیش ببرند. منتها بحث اصلی آنها امواج انسانی‌ای بود که اینها بگویند ما از لحاظ جمعیت یک بخش از مردم ساکن در فلسطین را تشکیل می‌دهیم. در این ماجرا که به نظر من در واقع می‌شود گفت پایه اصلی تشکیل رژیم صهیونیستی است، رژیم کودتایی رضاخان نهایت همکاری را داشت و بعد در دوره محمدرضا پهلوی هم شما می‌بینید که این اتفاق ادامه پیدا می‌کند و محمدرضا پهلوی به عنوان دومین رئیس کشور اسلامی، رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد و ایران را به ستون پنجم اسرائیل در منطقه تبدیل می‌کند. روابط امنیتی و بیمانه‌های امنیتی که اوج روابط گسترده ۲ رژیم را با همدیگر نشان می‌دهد بین پهلوی و اینها منعقد می‌شود. در همین دوره، در همین دوره‌ای که اساسا رژیم پهلوی از همان ابتدا دارد کمک می‌کند به تشکیل دولت یهودی در منطقه و بعد هم این همه خدمات گسترده به صهیونیست‌ها برای تثبیت رژیم صهیونیستی می‌دهد شما می‌بینید اسرائیل تبدیل می‌شود به یکی از مهم‌ترین مراکز خرید و فروش اشیای باستانی ایران. یعنی به طور گسترده در همان مقطع اینها درصد قاجاق و دست‌اندرکار قاجاق هستند؛ در تبدیل شدن اقتصاد ایران به اقتصاد تک‌محصولی اسرائیل در کنار انگلستان و آمریکا قرار می‌گیرد. کل سرزمین ایران بویژه مرزهای شمالی و مرزهای جنوبی ما را تبدیل می‌کنند به پایگاه‌های جاسوسی علیه کشورهای منطقه و با همه این‌ها که آنها که رژیم پهلوی به آنها ارائه می‌داد و استفاده‌ای که آنها از ظرفیت ایران می‌کردند می‌بینیم باز این اسرائیل بود که تعیین می‌کرد غربی‌ها اعم از انگلیس یا آمریکا چه چیزی در اختیار ایران بگذارند. آنجا هم باز همان سیاست تجزیه ایران، سیاست کوچک کردن ایران و سیاست کنترل ایران که رژیم پهلوی آن را تبدیل به ستون پنجم اسرائیل در منطقه کرده بود، در دستور کار آنها قرار داشت. انقلاب اسلامی این معادله را کلا به هم زد و در ادامه خواست ملت ایران که از سال ۱۳۰۰ شمسی شروع شده بود، رژیم صهیونیستی را به طور کلی طرد و نفی کرد.

■ **صحت‌های شما اینگونه برداشت کردم که سیاست ضعیف‌سازی ایران اساسا یکی از راهبردهای اصلی استعمار انگلیس در منطقه بود که از این سیاست در تشکیل و تقویت رژیم صهیونیستی بهره بردند؛ درست متوجه شدم؟**

بله! دولت انگلستان تقریباً تا ۱۰۰ سال قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی تمام توان خود را بر این قرار داده بود که ایران یک کشور کاملاً ضعیف، تجزیه شده، کوچک شود و به قول سفیرشان ایران را در وحشت و بربریت قرار دهد، همان افراد می‌آیند و رژیم صهیونیستی را در منطقه می‌خواهند ایجاد کنند. آنها برای تضمین امنیت رژیم صهیونیستی و اساسا شکل‌گیری رژیم صهیونیستی احتیاج به رژیم‌های وابسته در منطقه دارند چون آنها می‌دانند اگر این تحرک رخ دهد بالاخره هم با مخالفت جدی فلسطینی‌ها و هم مسلمان، صرف‌نظر از دولت‌ها، مواجه می‌شود. حتی دولت‌ها هم نمی‌توانستند آن موقع بی‌تفاوت باشند برای همین می‌بینیم اوایل که بحث مهاجرت و بحث تشکیل رژیم صهیونیستی مطرح می‌شود دولت‌های اسلامی یک مقدار فعال‌تر از امروز بوده‌اند؛ لذا سیاست‌های فکری ایجاد دولت‌های وابسته در منطقه افتاد. در عراق فیصل را آوردند و در افغانستان امان‌الله‌خان را.

در ایران رضاخان روی کار آمد و قرار بود این رژیم‌های وابسته زمینه تشکیل رژیم صهیونیستی در منطقه را

بعضی از این سخنگویان دنیا راجع به نظرات جمهوری اسلامی درباره منطقه که صحبت می‌کنند،به دروغ می‌گویند که «ایران می‌گوید بایستی یهودی‌ها را یا صهیونیست‌ها را که در دریا بریزند»؛ نه، این حرف را قبل‌ها دیگران یا کسانی از عرب‌ها گفتند؛ ما هیچ وقت ن گفتیم این راه ما کسبی را به دریا نمی‌ریزیم. ما می‌گوییم نظر، نظر مردم است؛ آن دولتی که با آرای مردم فلسطین تشکیل شد، درباره مردمی که آنجا هستند و از کشورهای دیگر آمده‌اند تصمیم‌گیری خواهد کرد؛ ممکن است به همه آنها بگوید در فلسطین بمانید – کما اینکه در بعضی از کشورهای آفریقا که بنده زمان ریاست‌جمهوری رفتم آنجا، مردم] مبارزه کردند و پیروز شدند؛ انگلیسی‌ها آنجا حاکم بودند، بومی‌ها توانستند انگلیسی‌ها را مغلوب کنند،اما همان انگلیسی‌ها را در کشور خودشان نگه داشتند؛ مصلحت دانستند نگه داشتند، اینها هم ممکن است نگه دارند – ممکن هم هست بگویند نه، بعضی بروند یا همه بروند؛ اختیار با آنها است؛ ما هیچ‌وقت در این زمینه نظری نداریم. (۱۴۰۲/۹/۸)

ما مثل بعضی از رهبران قدیمی عرب که گفتند یهودی‌ها را به دریا می‌ریزیم، اهل به دریا ریختن یهودی‌ها نیستیم. ما می‌گوییم مبارزات همه‌جانبه ملت فلسطین – مبارزات

<sup>[1]</sup> صهیونیست‌ها در بررسی‌های‌شان به این نتیجه رسیده بودند یکی از کشورهایی که می‌تواند در این منطقه جلوی زیاده‌خواهی‌های آنها را بگیرد ایران است

<sup>[2]</sup> صهیونیست‌های متنفذ در دولت انگلستان تقریباً ۱۰۰ سال قبل از تشکیل رژیم صهیونیستی تمام توان خود را بر این قرار داده بودند که ایران یک کشور کاملاً ضعیف، تجزیه شده و کوچک شود